

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ جنوری ۲۰۲۰

تشدید تصفیة درونی بین جنایتکاران اخوانی!؟

۲

سه شنبه- ۱۷ جدی ۱۳۹۸ - کابل:

۲- نظر دیگری که به ارتباط این جنایت مطرح می گردد، دستور صریح "غنی احمدزی" به انجام آن به دو دلیل می باشد:

الف- ضمن تماسهایی که در آیین اواخر بین "گلبدین" و "غنی احمدزی" صورت گرفته و می شود گفت، دیگر بر هیچ کسی پوشیده نیست، آنها به توافقاتی دست یافته اند که در آینده و زمانی که "غنی احمدزی" مجدداً حلقه سر غلامی اشغالگران را به گردن بیویزد، قابل اجراء خواهد گردید، یکی از آن توافقات پاکسازی مناطق از وجود قومندان های سکتاریست "جمعیت اسلامی" در لباس دوستی توسط "گروه مرگ" ریاست امنیت ضد ملی می باشد.

ب- دلیل دیگری که برای انجام عمل توسط "غنی احمدزی" دانسته می شود، گذشته از تابعیت مطلق تیم عملیاتی از شخص خودش، تضاد نیست که قبل از رسیدن به قدرت بین "غنی احمدزی" و "امراالله صالح" شکل گرفته و از قرار شنیدگی بعد از آن که "غنی احمدزی" جهت خرد ساختن و بی اعتبار ساختن "صالح" در دو سه مورد، از همان سیاست و برخوردی با وی کار گرفت که با "دوستم" پیشه نموده بود و خواست وی را تحقیر نماید، "امراالله صالح" به اتکای روابط استخباراتی اش با "سیا"، "غنی احمدزی" را انسان بی ریشه گفته، صریحاً موجودیت یک تعداد از قومندان های جمعیت را به مثابه پشتوانه و پاسدار قدرتش به رخ، "غنی احمدزی" کشیده است. که یکی از آن افراد همین "آمرستار" مقتول بود. تجربه نشان داده است که "غنی احمدزی" به مانند تمام جواسیس قبل از خودش، به همان اندازه که در مقابل بیگانگان و خارجی ها انسان بی شخصیت، چاپلوس، متملق و نوکر گوش به فرمان است، در مقابل رقبای داخلی و مردم عادی افغانستان، بی رحم، انتقام جو و بی تحمل می باشد. لذا به مثابه نخستین درس برای "امراالله صالح"، دستور قتل نماینده اش را داده است.

۳- حدس دیگر این است که در عقب فرمان قتل "آمرستار" شخص "امراالله صالح" ایستاده است. آنهایی این نظر را ارائه می دارند، عقیده دارند که در آخرین دیدار بین "صالح" و "آمرستار"، به نسبت زیاد خواهی های "آمرستار"، حرفهایی رد و بدل شد که نمی باید می شد. چنانچه در اخیر جلسه "آمرستار" با عصبانیت تهدید نموده است که تمام اسناد و مدارک تقلب خودش به نفع تیم "غنی احمدزی" را همین فردا به "کمیسون شکایات" و رسانه ها خواهد سپرد تا

دیده شود که کسی نمی تواند وی را نادیده بگیرد. از همین رو آنها یعنی تیم "غنی احمدزی" با چنین سرعتی تصمیم به قتل و نابودی وی گرفته اند.

۴- گمان و حدس دیگر در مورد مسأله، بر می گردد به نقش عوامل نفوذی در درون "گروه مرگ" ساخت، "غنی احمدزی". بر مبنای این حدس و گمان، علی رغم آن که "غنی احمدزی" تمام نهاد های امنیتی اعم از وزارت های دفاع و داخله و ریاست امنیت ضد ملی را مطابق به خواست شخص خودش پاکسازی و از نو سازماندهی نموده است، با آنها مخالفان و جناح های مقابل در سطوح پائین به خصوص عملیاتی، هنوز هم مهره های خاص خودشان را به شکل نفوذی حفظ نموده اند.

هموطنان گرامی!

این که "آمرستار" یک فرد است و به مانند وی صد ها تن در افغانستان کشته می شود و بر مبنای تبلیغ عمال دولت نباید از آن "پیراهن عثمان" ساخت از نظر من دقیق نیست. زیرا این درست است که وی یک فرد است و در افغانستان روزانه ۱۰۰ ها نفر به خاک و خون کشانیده می شود، مگر قضیه از جهتی با دیگر کشته ها فرق می نماید که این فرد اولاً یک فرد باغی و باغی و در منطقه تحت نفوذ طالب نبوده است، تا دولت دست نشانده به تأسی از بادران اشغالگرش، با گذاشتن "جایزه" برای زنده و مرده اش، عملاً دستور قتل وی را نیز صادر می نمود. عکس آن وی یک فرد عادی و علنی، فردی که مهمان معاون اول ریاست جمهوری بود، آنها در یکی از مناطق نسبتاً امن کابل مورد حمله قرار گرفته است، که اگر مهاجمان می خواستند وی را زنده دستگیر و به مراجع قضایی بسپارند، می توانستند در روز روشن و با اعزام چند پولیس حوزه امنیتی خیرخانه، بدان دست یابند.

این که وی را با بی رحمی تمام به قتل می رسانند، حتی بر بیکر های مجروح و زخمی شان، فیر می کنند نشان می دهد که مهاجمان به قصد کشتن وی حمله نموده بودند، یعنی تیم مربوط به "گروه مرگ" هم پولیس کشف جرم، هم خرنوال ادعای مجازات، هم قاضی صادر کننده حکم و هم جلا، همه چیز بوده اند. این یعنی آشکارا بر طبل دوران توحش کوبیدن.

جهت دیگری که این کشته را از کشته های روزانه متمایز می سازد، حدس آخری، نفوذ مخالفان "غنی احمدزی" در درون "گروه مرگ" وی است. هرگاه چنین باشد و واقعاً "گروه مرگ" نفوذ پذیر و غیر قابل کنترل شده باشد، باید همه از خود بپرسیم که فردا نوبت چه کسی است؟

هموطنان گرامی!

قضیه این نیست که مقتول مورد نفرت ماست هرکسی وی را بکشد "دستش درد نکند". چنین برداشتی نه تنها هیچ سنخیتی با سیستم اداری و حکومت داری تطابق ندارد بلکه از لحاظ شخصی هم، برای آنهایی که همت و غیرت دارند و می خواهند خون دشمن شان را خودشان بریزند نه این که کس دیگری به جای آنها این کار را انجام دهد، نه تنها قابل قبول نیست بلکه طعنه و لکه ننگی نیز می گردد. در بین مردم به چنین اشخاصی "بی غیرت" خطاب می کنند، زیرا خود انتقام شان را گرفته نتوانستند.

هموطنان گرامی!

هرگاه من و تو بدون در نظر داشت نفرت ما از مقتول، متحدانه علیه دولت قیام نکنیم و به دولت اجازه، امکان، چراغ سبز و به نحوی حمایت اعلام بداریم که امروز دشمن من را و فردا دشمن تو را بدون بازخواست بکشد، معنای مستقیمش آن است که ما با تأیید جنایت و ترور دولتی بر شمشیر خون چکان دولت بوسه زده ایم و بستر کشتن خود را برای فردا به دست دولت دست نشانده گسترده ایم.

به نظر من می باید علیه چنین جنایاتی از جانب دولت دست نشانده و ارگانهای تحت امرش ایستاد و از خون دشمنان خود به دفاع برخاست و به دولت اجازه نداد تا بدون بازخواست، دست به کشتار مخالفانش بزند.

سرکها ما را می طلبد!!